



افسانه طلایی انسان و حیوان

نوشته لی اوگت

مهره تاج طلایی در سال ۱۹۹۱ میلادی توسط گروهی از کودکان در کیونگجو پایتخت جدید فلسو سلطنت سیلا کشف گردید. این کودکان هنگام بازی در نزدیکی یک درخت که در آن نومی فل حاشی وجود داشت میز بازی کتیبه‌های مشابهی می‌یافتند که فلز آنها را می‌پوشد و فلز آن‌ها سیس در رنگی به‌خوبی پخته و در حدود شش سانتی‌متر از این نوع می‌باشد و این کتیبه‌ها بسیار شبیه کتیبه‌های در سواره‌ها و مهرهای از همه یکسان و بی‌شباهت نیستند که از دوره‌های طلا ساخته شده بود و موجود در آن باور کردنی توانسته بود متجاوز از هزار سال دور از دنیا بماند. این تاج که از میان طلمت زمانها بیرون آمده و مشخصه نشانه‌های برخی افسانه‌ها می‌باشد و در موزه ملی کره قرار گرفته معلوم شد که تقریباً ۱۰۰۰ سال پیش میلادی خلق شده است.

از این زمان شامانهای بزرگ یعنی جادوگرانی با معتقدات سدهایان که‌های انسانی بود که با مراسم پرستش آیین‌های طبیعت آشنایی داشتند. در آن زمان تعدادی اتفاق آبیام نیز آسمانها و جانوران بزرگتر حکمفرمای می‌گردیدند. همان‌طور که در جاپان قدیمی که ساکنان کره آسمانها را تشکیل می‌دادند طبیعت بر این بود که حیوان موجود حمایت کنند از انسانها و کتیبه حیوان به‌صورت فرمای کردن آن در راه موجود آسمانی است. اگر به انسان آشنایی می‌دهد با روح حیوان و صفات جسمی و روحی آن را به‌صورت انسانی در ذهن افسانه‌ها و نیز مراسم شکار خاصه در استان

لی اوگت در سال ۱۹۹۱ میلادی آشنایی با افسانه‌ها و مراسم پرستش بزرگ شامانها مربوط به کره در کالیفرنیا است او کتاب موسوم به «تاریخ کره» تألیف کرده که در سال ۱۹۹۳ میلادی در کره چاپ شد. در سال ۱۹۹۴ میلادی آشنایی با مراسم شکار خاصه در استان

تاریخ کره در کالیفرنیا است او کتاب موسوم به «تاریخ کره» تألیف کرده که در سال ۱۹۹۳ میلادی در کره چاپ شد. در سال ۱۹۹۴ میلادی آشنایی با مراسم شکار خاصه در استان

لی اوگت در سال ۱۹۹۱ میلادی آشنایی با افسانه‌ها و مراسم پرستش بزرگ شامانها مربوط به کره در کالیفرنیا است او کتاب موسوم به «تاریخ کره» تألیف کرده که در سال ۱۹۹۳ میلادی در کره چاپ شد. در سال ۱۹۹۴ میلادی آشنایی با مراسم شکار خاصه در استان

تاریخ کره در کالیفرنیا است او کتاب موسوم به «تاریخ کره» تألیف کرده که در سال ۱۹۹۳ میلادی در کره چاپ شد. در سال ۱۹۹۴ میلادی آشنایی با مراسم شکار خاصه در استان

صفحه رنگی

تبدیل پیر ماهی کپور به ازدهای مهر بان

درباره ماهی کپور چه می‌توان گفت؟ همه می‌دانند که این گونه‌ها در ماهی‌ها بسیار زیاده و در بعضی موارد می‌تواند به انسان هم آسیب برساند. ماهی کپور در بعضی مناطق آسیای شرقی و جنوب آسیا بسیار شایع است. ماهی کپور در بعضی مناطق آسیای شرقی و جنوب آسیا بسیار شایع است. ماهی کپور در بعضی مناطق آسیای شرقی و جنوب آسیا بسیار شایع است.

تبدیل پیر ماهی کپور به ازدهای مهر بان

درباره ماهی کپور چه می‌توان گفت؟ همه می‌دانند که این گونه‌ها در ماهی‌ها بسیار زیاده و در بعضی موارد می‌تواند به انسان هم آسیب برساند. ماهی کپور در بعضی مناطق آسیای شرقی و جنوب آسیا بسیار شایع است. ماهی کپور در بعضی مناطق آسیای شرقی و جنوب آسیا بسیار شایع است.





کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان





بدهای این دو مرغابی سفالین کوچک که به دوره سیلای قدیم علق دارد شبیه پای انسان ساخته شده است. زیرا پرندگان، هنگامی که کاش چلوگر با ارواح ارتباط برقرار می‌ساخت واسطه و میانجی اجباری وی را تشکیل می‌دادند.

شومونگ پناهنگار قلمرو سلطنتی گوگوریو این ارتباط مخفی میان انسانها و حیوانات را به‌وضوح نشان می‌دهد.

در افسانه‌های چین آمده است که روزی یکی از دختران مالک و فرمانروای دود ریالتوچ آنها، سنن گرگش به‌جوانی بوسوم به‌ناموسو، پس امی‌اطور آسمانی، برخورد و با وی نزدیکی کرد. پس از چندی دختر آستان شد و نسبی را بنامی نامید. نم را به‌جوانی سگ و غوک انداختند اما هیچکس از آن دو بدان دست ن‌زدند. سپس آن را در کنار جاده‌یسی گذاشتند ولی کتاوان و اسنان از آن دوری کردند. و بعد آن را در یک مزرعه جای دادند ولی پرندگان آن را زیر بال و پر خود گرفتند. پس از آن سسی کردند که نم را بشکند ولی موفق نشدند. از این تخم بود که بعدها شومونگ خوش‌تیغانه و خوش‌میکنی بیرون آمد.

بنا بر این میان حیوانات و انسانها ژرف‌ترین تفاهم جریان داشت که زمین را برای موجود آمدن زمانی ساخته شده از نژادهای حیوانی که مشاهیر کشف کرده آنها در تاج طلایی کونگزو (به‌تصویر صفحه ۶۶ مراجعه کنید) می‌توان مشاهده نمود. فراهم ساخت، ولی آنچه بیشتر اهمیت دارد اینست که کونگزو نشان می‌دهد مفهوم مذهب کیتی را که ساکنان کره چنگان در زمان خود داشتند برای انسان آسمانی می‌سازد. به‌تصویر مردم کره نشان کیتی از سه دنیای آسمان و زمین و دوزخ (افسانه) ارواح پس از مرگ انسانها) که غالباً دنیای آنها هم نامیده می‌شد تشکیل می‌دهد.

پنج شامه (کهن چلوگر) می‌بایست غالباً با تغییر شکل و با درآیند بصورت موجودات گرگ‌گون بر این سه دنیا تسلط داشته باشد. در افسانه دیگری مربوط به پند شومونگ که خواهان ازبواج با دختر مالک و فرمانروای روزخانه بود این تغییر شکل بسیار خوب شرح داده شده است.

در این افسانه گفته شده است که مالک و فرمانروای دود برای آزوبون پند شومونگ به صورت یک ماهی کوچک درآمد ولی پسند شومونگ فوراً به صورت آب می‌شد گشت و آن را گرفت سپس مالک و فرمانروای دود شکل گوزن را به‌خود گرفت و پند شومونگ نیز به شکل گوزن درآمد و به تعجب آن پرداخت. بعد فرمانروای دود به فرسول تبدیل شد پند شومونگ هم بی‌درنگ به‌شاهینی تبدیل گردید، و پدینسان مالک و فرمانروای دود می‌برد که او واقعاً پس امی‌اطور آسمانی و بنا بر این راضی شد و فرمان داد که عروسی انجام گیرد. و همانگونه که در افسانه تولد شومونگ مشاهده شد دو سال برنده تاج را نعت سفینه و حمایت خود دارند. این دو پال حمایت‌کننده نماند برای پرواز به‌سوی آسمان نیز محسوب می‌شود. کلاهی هم که در شونگوا، کنوزی که شومونگ زمانی بر آن سلطنت می‌کرد، کشف شده و در وسط آن پرند آسرا آمیزی با سه پا دیده می‌شود بر همین نمایش مذهبی گواهی می‌دهد. ولی زینت پرند می‌شامل مفاهیم دیگری هم هست. در ویژگی که یکی از متون چینی متعلق به قرن سوم میلادی است بیان شده است که چگونه در میان قبایل هان در پختی جنوبی کره مردوخا را به‌وسیله پال و پر پرندگان به پسرواز درمی‌آوردند. در مونسوان، کهن چلوگر (شامان) همینکه دیوای بر پشت خود می‌گذاشت احساس می‌کرد که به‌وجود برده‌ی می‌تواند تبدیل گشته است. در سبیرک و منچوری نیز شامانها به‌همین منظور لباس و کلاه خود را با پروبال پرندگان می‌آراستند. ممکن است که این اعتقاد به زاپون هم راه یافته باشد و دلیل این مدعا تاج ساخته شده از آلیاژ طلا و مفرغ است که در

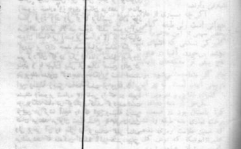
صفحه رنگی

زینت طلا برای تاج یک پناه‌شاه. این دوره طلایی که به‌شکل شاخ گوزن برده شده در نزدیکی کونگزو پایتخت قدیمی قلمرو سلطنتی پانگسی ملبره موریتونگ شاه که از سال ۵۰۹ تا سال ۵۴۴ میلادی بر آن کنود فرمانروایی می‌کرد کشف گردیده است.

این تاج طلایی و زینتهای ساخته شده از سنگ بنام آن به‌دوران فرمانروایی سلسله سیلا در قرن ششم میلادی علق دارند بسیار ظریف و شکسته و در عین حال بسیار پرمعنا است.

در مفره تاج طلایی کمریند فلزی بزرگی نیز وجود داشت. این کمریند طلایی دراز (به طول ۱۴۰ متر) که از سوره لوجه کوچک منبک یا طرح «ارهای آسمانی» تشکیل شده با موزونان ترینی مورد استفاده در دربار چین زینت یافته است. اوپدهای آن به تقلید از برخی از هفت چیزی که به‌طور سنتی لوازم فرعی زینت اسب سوارکاران را تشکیل می‌دهند ساخته شده‌اند. در میان آنها می‌توان نژادهای چاقو، سنگ چاقو بزرگ و سنگ آتشی را به‌رازدن مشاهده. قاب ماهی شکل آن در قرن هشتم میلادی و در زمان فرمانروایی سلسله سلطین تاگک در چین نشان نشانه طبقه اجتماعی کسی بود که آن را به‌کسر می‌است. استفاده از این نوع کمریند مربوط به گذشته‌های بسیار دور است و چنین به‌نظر می‌رسد که در میان اقوام بایانگرد شنسیا شمال معمول و متداول بوده است. کمریند کشف‌شده در مفره تاج طلایی دوره فرمانروایی سلسله سلطین سیلا در قرن ششم میلادی علق دارد.

روشگاه علم و دانش
شکل جامع علم



در نمایش مشهور صحنه شکار که بخشی از تصاویر نقاشی شده بر روی دیوارهای مغربه رفاستان واقع در ت. اوگت کورا تشکیل می‌دهد، فرار شتاب‌آلوده‌ها، گوزنها و بیرهای دست و پا گم کرده و وحشت‌زده در جلوی سنگهای گم‌انگاری که چهار نعل اسب می‌راندند، مشاهده می‌شود. این یاد صحنه شکار و در این حال تصویر مراسمی است که یگانگی اسطوره‌ای انسان را با حیوان نشان می‌دهد.



Photo © Editions d'art Aurora, Leningrad



Photo © Labatino, 1977 University Paris X, Nanterre

به‌عقیده کاهنان شمنسب «روحهای پرند شکل عموماً حاکم بر عالم بالا هستند و حال آنکه پستانداران از جمله گوزن‌ها بر عالم اسفلس فرمانروایی می‌کنند. اینگونه انتضادات را در اساطیر اروپای باستان سیری می‌توان یافت. لباس گوزن شکل این کاهن جانور نوتگوزی (تصویر شماره ۱) بوی امکان می‌دهد تا به‌عالم اسفل فرود آید ولی او با برداشتن کلاه خود می‌تواند به‌عالم بالا هم صعود کند. تصویر این حیوان انسان‌نما (تصویر شماره ۴) با شاخهای کوزن بر روی جسد موسومایی شده یکی از سرکردگان که در یکی از متون متعلق به فرود پنجم و یا چهارم پیش از میلاد مسیح واقع در بازرگانه مدفون گردیده، شناخته شده است. این وسیله زینتی ساخته شده از ورقه طلائی است (تصویر شماره ۳) ناجی را که در ضربه موردیوتگانه در کونگوزگ گرفتارده است زینین می‌کرد. آنچه را که این وسیله زینتی نشان می‌دهد می‌توان شیبه شاخ یا بال دانست ولی برخی آن را یکی از تزئینات کلمه ساده می‌شمارند که منعکس کننده تأثیر هنر چینی است.



Photo © Editions d'art Aurora, Leningrad

پوشیدو کشف شده است. در دوران آن آثاری باقی مانده که ثابت می‌کنند که این تاج مزین به بال و پر بوده است. در اینجا به‌عنوان جمله معترضه باید گفت که بال برنده در کره قدیم تنها رساله پرواز به‌عنوان آسان به‌کار نمی‌آید. تین بلاتک اسب پرندة شتابایی که روی پوست درخت قان نقاشی شده و تصویر آن را در صفحه ۲۵ همین شماره می‌توان مشاهده نمود می‌توانست همین وظیفه را بسیار خوب انجام دهد.

پس بال برنده علامت عدده و اصلی تاج طلائی را تشکیل می‌دهد. ولی بالهای کدام برنده؟ آیا نمی‌توان گفت که این برنده عبارت از یک برنده خانگی است؟ چرا نباید آن را بال یک خروس دانست؟ خروس که در اساطیر سیلا نقش بسیار مهمی داشته است. آیا این قلمرو سلطنتی که از نخستین قرن قبل از میلاد مسیح منطقه جنوب شرقی کره را به‌زیر فرمان خود درآورده بود و هشت قرن بعد سلطه خود را تقریباً بر سراسر شبه‌جزیره کره گسترده کشور خروس و جنگله نامیده نمی‌شده؟ دیگری از متون مربوط به قرن سیزدهم میلادی موسوم به سامکوک‌یوزا همچنین گفته شده است که اهالی کره خروس را مانند یک خدا می‌پرستیدند و بالهای آن را به‌عنوان زینت بکار می‌بردند.

طبق معتقدات مردم کره باستان خروس نماد خورشید و همتای گوزن شمالی شاخ طلائی بود که در عصر حجر از شرق تا مغرب سیرری را با پرواز طی می‌کرد.

در کره گوزن قرمز که یکی دیگر از نمادهای مذهبی است با گوزن شمالی سیرری مطابقت دارد. این گوزن که مانند بال از علامت نمونهایی دیگر شاخ طلائی بشمار می‌آید به وسیله یک جفت شاخ در آن نشان داده شده است. ممکن است چنین طرحی را در تاجهایی هم که از دو قلمرو سلطنتی کورگوری و پایکتسی بدست آمده‌اند تشخیص داد اگر چه برخی این طرحها را تزئینات کلمه ساده‌ایی می‌دانند که منعکس کننده هنر چینی هستند. در ایسن مورد نکته قابل تذکر است اینکه ساکنان پایکتسی واقع در غرب سیلا گوزنی را سکه توسط پادشاهان شکار می‌شد موجودی که دارای جنبه خدایی باشد می‌انگاشتند. وانگهی در یکی از متون چنین گفته شده است که نجاری قلمرو سلطنتی کورگوری که در زمان وجود سه قلمرو سلطنتی در شمال شبه‌جزیره کره قرار داشت «گوشهای» طلائی و نقره‌یی به‌کلاه خود متصل می‌کردند. می‌توان این سؤال را از خود کرد که آیا ناسخ حکام رودوسی یک‌خط تصویری درباره کلمه «گوشه» که به‌زبان چینی «ears» گفته می‌شود دچار اشتباه نشده است؟ و آیا نمی‌توان گفت که منظور عبارت از همان کلمه rong است که به زبان چینی «مخاع کوزن» معنی می‌دهد؟ ... و ایشیمه به‌نوبه خود انسان را به‌یاد شاخهای فلزی می‌اندازد که یادآور شاخهای کوزن بودند. و شامانهایی قبیله نوتگوز شرقی کلاههای خود را با آن زینین می‌کردند. در میان ساکنان منطقه کت شرقی واقع در سیرری نیز کلاه شامانه به‌طرز مشابهی با شاخهای آهنی گوزن شمالی زینین می‌گشت.

در روی تاج طلائی علاوه بر گوزن که به وسیله شاخهای خود جنبه زمزی پیدا کرده حیوانات دیگری هم که به‌همان اندازه شایسته احترامند چشم می‌خورند. تعداد فراوانی از قطعات زینینی که به شکل چنگال و پنجه از سنگ یش ساخته شده و از پایه تاج طلائی آویزان‌اند نشانهای از آنها هستند. این قطعات چنگالهای خرسبای راستین و یا فلزی را به‌علاوه می‌آورند که شامانهایی نوتگوز آنها را به‌عنوان زینت



در کفتشای خود بنکار می‌بردند و احتمالاً به حیوانات وحشی از قبیل
ببر که بومیان سرزمین پی در شمال سیلا آن را خدای خود می‌دانستند
اشاوری دارند.

اگر چه بسیاری از علائم زمزی در روی تاج طلائی مربوط به طبقه
حیوانی است ولی طبقه گیاهی نیز که منظر ممتاز زمین نشان می‌رود
بخش مهمی از این علائم را تشکیل می‌دهد و به صورت سفیده‌های کوچک
گلبرگی شکلی که انتهای نسبتاً تیزی دارند بیشتر از همه روی تاج
پنجم می‌خورد. آنها در صورتی مفهوم کامل خود را باز می‌یابند که با
تاج یکی از ملکه‌های پایتختی که در وسط قسمت تحتانی آن یک
جام گل مشاهده می‌شود مورد سنجش قرار گیرند. در یکی از متون
تاریخی آمده است که در این فلز و سلطنتی کلاه شاه و نجبا به ترتیب
با گل‌های طلائی و نقره‌ای آراسته می‌شد.

طرحی از سه دنیای تشکیل دهنده کتیبه که مورد اعتقاد مردم
کره باستان بود در قسمت مرکزی تاج وجود دارد. آنها در اغلب پات
دزخت نمادی سه طبقه را تشکیل می‌دهند. ذکر این نکته ضرور است
که همین علامت زمزی مذهبی را در شکل یک کلاه ساخته شده از
کتیرازاپوئیتیکا که نوعی گل خاص کشور ژاپون است در امپلیور این
کدور - من توان مشاهده نمود.

در آیین مذهبی کره باستان یک تیر چوبی که نموداری از مرکز
دنیای زمینی بود و ارتباط با آسمان را امکان‌پذیر می‌ساخت غالباً
جایگزین درخت شده است. بر قله آن همچنانکه در میان ساکنان
سیبری و قبایل تونکوز معمول بود گاه پرندگان قرار می‌دادند. متون
چینی نشان می‌دهند که در منطقه جنوبی کره باستان برای انجام مراسم
پرستش نسبت به ارواح یک تیر چوبی به زمین فرو می‌بردند و یک زنگوله
و یک طبل پرفله آن می‌آویختند.

سوالی که پیش می‌آید اینستکه دوزخ در کدام قسمت تاج طلائی
نشان داده شده است. دوزخ در احوال آنها و سطح آنها احتمالاً به وسیله
طرح‌های بیخ و خداری که به شکل موج در طول پایه تاج ادامه می‌یابد
نشان داده شده است. و در جای دیگر یک ماهی آویخته به یک گریبند
جایگزین این امواج هندسی شکل می‌گردد. (تصویر صفحه ۴۶ را
ببینید)

در این تاج طلائی که از هزار سال پیش بجای مانده و دارای
عظمت و شکندگی تقریباً غیرمادی است تصویر بسیار جالب و باشکوه
از دنیای سه گانه را می‌توان مشاهده کرد. و واقعاً سرآواز آن بود که
این تاج به دست کودکان، به هنگام بازی یا درازبدهای بذل، نژادگر
مارسی از سر می‌خورد.